

## آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی جامع معقول و منقول

غلامرضا گلی زواره

### \* تبار پر بار

نسب آیت‌الله مرعشی باسی و سه واسطه، به حضرت امام سجاد(ع) می‌رسد. خاندان مرعشی از بزرگترین خاندان‌های علویان هستند که از میان آنان دانشوران، حکیمان، عارفان، طبیبان، ریاضیدانان، فقیهان و وزیرانی برخاسته و این سلسله در غنای فرهنگ ایران و اسلام نقش مهمی بر عهده داشته‌اند.

شخصیت‌هایی از این خاندان در ادوار گوناگون تاریخی به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گام نهاده‌اند. علامه سید قوام‌الدین که جدّ پانزدهم آیت‌الله مرعشی است، مؤسس حکومت سلسله مرعشیه در طبرستان بود که پس از سال‌ها مبارزه علیه ستم، تشکیلاتی بر پایه تعالیم اسلامی در این قلمرو به وجود آورد. هم‌چنین مرعشیان در دو خاندان صفویه و قاجاریه رخنه کرده و با تصدی منصب‌های مهم سیاسی، منشأ خدماتی ارزنده برای مردم مسلمان و سرزمین ایران شدند. آیت‌الله سیدالحکما پدر بزرگ آیت‌الله مرعشی، ضمن پرداختن به شغل طبابت، در مسافرت‌هایی که به کشورهای اسلامی نمود، با بسیاری از مبارزان و متفکران سیاسی و علمی ارتباط

برقرار کرد. ملاقات وی با دانشور مجاهد مصری شیخ محمد عبده معروف است. این دیدار آن چنان شخصیت‌های مورد اشاره را به هم نزدیک کرد که سال‌ها از طریق نامه با هم مکاتبه داشتند، و به تبادل نظر در امور مهم سیاسی جهان اسلام می‌پرداختند. آیت‌الله سید شمس‌الدین مرعشی نجفی (۱۳۳۸ - ۱۲۷۹ ه. ق.)، پدر بزرگوار ایشان، پس از اخذ درجه اجتهاد در نجف اشرف، به سیر و سیاحت در ممالک اسلامی روی آورد و با رجال علم و معرفت، ملاقات‌هایی داشت و از چهره‌های آشنا در عرصه دانش و سیاست بود. از افتخارات سید شمس‌الدین مرعشی این است که در مکتب آخوند خراسانی - رهبر مخالفان محمدعلی شاه قاجار - پرورش یافت و با شهید آیت‌الله مدرس ارتباطی تنگاتنگ داشت.<sup>۱</sup>

جدّه آیت‌الله مرعشی یعنی مادر سید شمس‌الدین محمود، شمس‌الشرف خانم طباطبایی (متوفای سال ۱۳۲۸ ه. ق.)، از سادات طباطبایی تبریز، معروف به خاندان قاضی می‌باشد. این بانو که از زنان باکمال عصر خویش بود، مقدمات علوم حوزوی و کتاب مغنی‌اللیب را به نوه‌اش، آیت‌الله مرعشی آموخت. شمس‌الشرف خانم دختر علامه حاج سید محمد طباطبایی، مؤلف کتاب مصباح، در ادعیه است که این بزرگوار، پسر عموی پدر علامه طباطبایی، صاحب تفسیرالمیزان می‌باشد، سر سلسله این سادات امیر عبدالغفار طباطبایی، از نوادگان سید کمال‌الدین حسن زواره‌ای است. او و فرزندش امیر عبدالوهاب، قاضی‌القضات سلسله آق‌قویونلو و نیز از شخصیت‌های برجسته عصر صفوی بوده‌اند. عرفا و حکما و کارگزاران و مبارزان زیادی از این خاندان برخاسته‌اند و در جهت گره‌گشایی از مشکلات مردم و مخالفت با استبداد و زورگویان تاریخ، تلاش کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### \* ولادت و نامگذاری

سید محمود مرعشی و همسرش در نجف، در خانه‌ای ساده ولی با صفاروزگار می‌گذرانند. آنان صبح روز پنج‌شنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۵ / ۱۲۷۶ ش، در موجی از

۱. مرزبان حماسه‌ها، محمدباقر بدوی، ص ۳۲-۳۱.

۲. درنگی در یک تبارنامه، از نگارنده، میراث شهاب، سال دهم، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۷۴-۷۳.

شادمانی قرار گرفتند، زیرا دیدگانشان به سیمای نوزادی خجسته روشن شد. گویی درخت امیدشان در باغ آرزو به بار نشست، بهار زندگی آن زوج جوان رونقی با شکوه یافت. این کودک نورسته را پس از طهارت و نظافت متداول به آستان مقدس حضرت علی (ع) بردند و نخستین روزهای زندگی او را با رایحه معطر و با قداست ضریح بارگاه امیر مؤمنان عبیر آگین ساختند. سپس کودک را به محضر محدث نوری صاحب مستدرک الوسائل بردند، او پس از گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ، نام «محمد حسین» را برای این نوزاد برگزید. بعد وی را نزد زاهد زمان و فقیه وارسته میرزا حسین فرزند میرزا خلیل بردند که وی عنوان «آقا نجفی» را برایش تعیین کرد. سپس مولود را خدمت عارف معروف سید مرتضی کشمیری بردند که آن جمال سالکان کنیه «ابوالمعالی» را برای آن کودک مشخص کرد. هم‌چنین او را خدمت مرجع عالی قدر جهان تشیع سید اسماعیل صدر بردند که آن سید فقیهان لقب «شهاب‌الدین» را به وی اختصاص داد. در خاتمه نوزاد را به محضر شیخ محمد طه نجف بردند و آن عالم عامل ادعیه و اذکار متناسبی را برای آن کودک بر زبان جاری ساخت.<sup>۱</sup>

### \* نهال ناب

از الطاف خداوند متعال در حق این کودک آن بود که مادرش در ایام شیرخوارگی در طهارت کامل بود و در ایامی که با مشکل روبرو می‌شد، زنی پاکدامن که از سادات بود، به این طفل شیر می‌داد. مادر هیچ‌گاه بدون وضو از سینه‌اش در کام کودک شیر نریخت. نخستین کانون تربیتی شهاب‌الدین خانه و اولین مربیانش، پدر و مادرش بودند.

آغازین کلماتی که در محیط بیرون از منزل به وی آموزش دادند، عبارت «هو الفتح العظیم» بود که آقا شیخ علی رفیش نجفی با تیمن و تبرک به وی آموخت. سپس پدر بزرگوارش، بار دیگر او را به روضه نورانی حضرت علی (ع) برد و در مقابل مرقد آن امام مظلوم الفبا را به وی یاد داد و در همان حرم مبارک او را مفتخر به عمامه و کسوت روحانیت ساخت.

مرتباً بعدی سید شهاب‌الدین، جدّه‌اش بی‌بی شمس اشرف بیگم بود که نخست نواده‌اش را با قرآن مجید آشنا ساخت و سپس کتاب‌های ادبی، فقهی و اخلاقی را در سطح مقدمات، به آن کودک آموزش داد و ادبیات عرب را برایش - در حدّ فهمش - درس گفت. آیت‌الله مرعشی نجفی در همین سنین، احترام والدین را رعایت می‌کرد و به همین دلیل پدرش او را دعا می‌کرد و می‌گفت: «فرزندم خداوند تو را عاقبت به خیر کند»؛ البته اهل خانه در برخوردهای اخلاقی و اجتماعی فرزندشان دقت‌هایی خاص داشتند.<sup>۱</sup>

### \* در مسیر دانش اندوزی

سید شهاب‌الدین نزد پدر مقدمات غالب علوم متداول را فراگرفت و پس از دانش اندوزی اولیه، پدرش او را به مدارس جدید فرستاد تا علوم ریاضی، هندسه، جغرافیا و دیگر معارف رایج را بیاموزد. وی موفق گردید این دروس را به صورتی شایسته و بانمراّت بالایی، در مدت پنج سال فراگیرد و گواهی‌نامه‌ی عالی آن زمان را دریافت دارد.

سید شهاب‌الدین، پس از پشت سر نهادن آموزش‌های مدارس جدید به طبابت روی آورد و برخی آثار طبی حکمای قدیم را نزد پدر تحصیل نمود و کتبی را از محضر میرزا محمدعلی معروف به مؤیدالاطباء آموخت.

استادانش در ریاضیات عبارتند از: شیخ عبدالکریم بوشهری، معروف به سعادت (متوفای ۱۳۲۷ ه. ق)؛ عباس بن شیخ اسدالله خلیلی، معروف به اقدام؛ دکتر عندلیب‌زاده تهرانی؛ آقا محمد محلاتی؛ حاج میرزا عبدالرحیم بادکوبه‌ای (متوفای ۱۳۶۵ ه. ق)؛ سید ابوالقاسم موسوی خوانساری (متوفای ۱۳۸۰ ه. ق)؛ میرزا محمود اهری؛ میرزا باقر ایروانی و سید هبه‌الدین شهرستانی. در علوم غریبه و سلوک عرفانی محضر این استادان را دریافت: میرزا ابوالحسن هندی حائری (متوفای ۱۳۴۵ ه. ق)؛ آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین بن محمد خلیل شیرازی (متوفای ۱۳۳۹ ه. ق)، شیخ ضیاء‌الدین سرابی؛ میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی و آیت‌الله شیخ محمد حرزالدین.

۱. مجله کیهان فرهنگی، ش ۲۰۴، مهر ۱۳۸۲، ص ۸؛ مأخذ قبل، ص ۳۱.

آیت‌الله مرعشی نجفی که ادبیات را نزد پدر و مادر بزرگ خویش، در حدّ مقدمات آموخته بود، نزد استادان برجسته، در سطح عالی تکمیل کرد که معروف آنان، علامه عارف و زاهد شیخ مرتضی طالقانی است. آیت‌الله مرعشی خود می‌گوید: «نزد این عالم که مجموعه‌ای از فضایل را داشت ادبیات عرب و تفسیر را آموختم و کتاب مطوّل را خدمتش تکمیل کردم». سید محمدکاظم خرم‌آبادی موسوی نجفی و میرزا محمود حسینی مرعشی شوشتری از دیگر استادانش در این عرصه بودند.

وی نزد پدر مقدمات تجوید و تفسیر را فراگرفت و در شانزده سالگی در محضر محمدحسین شیرازی تفسیر بیضاوی و جوامع الجوامع را آموخت. دیگر اساتیدش در این رشته عبارتند از: آیت‌الله شیخ شمس‌الدین شکویی، شاگرد حکیم جلوۀ زواره‌ای؛ میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی؛ سید آقا شوشتری جزایری؛ آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی نجفی و میرزا فرج‌الله تبریزی.<sup>۱</sup>

### \* فراگیری فقه و اصول

آیت‌الله مرعشی با توشه قابل توجهی که از علوم مقدماتی و پایه برگرفته بود، قدم به عرصه تحصیلات دوره سطح فقه و اصول فقه نهاد. وی بخشی از شرح لمعه را در حالی که هیجده سال داشت، از آیت‌الله سید آقا شوشتری فراگرفت. کفایة‌الاصول را دو سال بعد، از محضر آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی اردبیلی آموخت. استاد قوانین‌الاصول او، شیخ نعمت‌الله لاریجانی بود. دیگر اساتیدش در این رشته به شرح ذیل هستند: حاج سید محمدرضا مرعشی رفسنجانی، شیخ غلامعلی قمی، میرزا حبیب‌الله اشتهاودی، میرزا حسن رشتی، میرزا آقا اصطهباناتی، حاج سید علی طباطبایی، شیخ عبدالحسین مرندی و شیخ محمدحسین تهرانی (متوفای ۱۳۴۰ ه. ق.).

وی از همان دوران آموزش علوم پایه و پس از آن در دوره‌های سطح و خارج، در تلاشی خستگی‌ناپذیر از فراگرفتن حدیث، درایه، رجال و تراجم غافل نبود. او در سن بیست و دو سالگی موفق شد کتاب من لا یحضره الفقیه را در سامرا نزد آیت‌الله

۱. اقتباس از کتاب شهاب شریعت، علی رفیعی علامرودشتی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۷۳ ش، ص

محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی بخواند. وی علم رجال را از محضر آیت‌الله سید حسن صدر - فقیه محدث و صاحب آثاری در تاریخ، رجال و کلام که معروف آنها تأسیس الشیعة است -؛ شیخ عبدالله مامقانی نجفی، فرزند آیت‌الله محمدحسن مامقانی - فقیه و رجالی معروف -؛ آیت‌الله میرزا ابوالهدی کرباسی و شیخ موسی کرمانشاهی یاد گرفت.<sup>۱</sup>

### \* مهارت در کلام، حکمت و اخلاق

آیت‌الله مرعشی در کنار آموزش فقه و اصول، در حلقه‌های درس دانش کلام، مباحث اعتقادی و آشنایی با ادیان و مذاهب حضور می‌یافت و در این رشته‌ها استادان برجسته و وارسته‌ای داشت، از جمله آنها باید از آیت‌الله شیخ محمد اسماعیل محلاتی نجفی؛ شیخ محمدجواد بلاغی و سید هبة‌الدین شهرستانی را برشمرد.

هم‌چنین ایشان منطق را در هفده سالگی از شمس‌الدین شکویی قفقازی آموخت. وی استادانی چون حاج ملاعلی محمد نجف آبادی (متوفای ۱۳۳۲ هـ. ق)؛ حاج فاضل مشهدی (متوفای ۱۳۴۳ هـ. ق)؛ میرزا طاهر تنکابنی (متوفای ۱۳۶۰ هـ. ق)؛ علامه میرزا مهدی آشتیانی (متوفای ۱۳۷۲ هـ. ق) را در حکمت و علوم عقلی، درک کرد.

او این سعادت را به‌دست آورد که در حلقه‌ی درسی عارف بزرگ آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی، سید احمد کربلائی، میرزا جواد ملکی تبریزی، میرزا علی اکبر حکمی یزدی و ملا محمدحسین قمشه‌ای بنیان‌های اخلاقی و مبانی عرفانی خویش را تقویت کند و درس‌های عملی را از این اسوه‌های وارسته در سلوک معنوی بیاموزد، و چراغ راه خویش قرار دهد.

یکی از رشته‌های تخصصی که آیت‌الله مرعشی در آن به کمالاتی دست یافته بود، علم انساب است. اصولاً خاندان او در طول تاریخ پاسدار انساب آل رسول‌الله بوده‌اند. وی این دانش را که در آستانه‌ی فراموشی قرار داشت، از انزوا بیرون آورد. سپس در این رشته به نشر آثار علمای گذشته پرداخت، و خود نیز به تألیف کتاب‌های

۱. همان مأخذ، صفحات ۱۵۸ - ۱۴۶.

مهم و ارزنده و رسائل مختلفی در این رشته پرداخت. ایشان مشجرات سادات را از پدرش آموخت.

علامه نسابه سید محمدرضا فرزند سید علی موسوی، مشهور به صائغ بحرانی غزینی (متوفای ۱۳۳۹ ه. ق) و آیت‌الله سید مهدی موسوی بحرانی (متوفای ۱۳۴۳ ه. ق) از دیگر استادانش در این عرصه هستند.<sup>۱</sup>

### \* بر فراز قله اجتهاد

آیت‌الله مرعشی پس از تحصیل علوم و معارف گوناگون، نزد اساتیدی که به نامشان اشاره شد، قدم به دوره تحصیلات عالی و نهایی حوزه علمیه نهاد و با استعدادی شگرف، همتی عالی و کوششی مداوم، در محضر مراجع عالی قدر شیعه و سایر علمای عتبات عراق، زانو بر زمین زد.

او از اول اصول تا مبحث مقید و مطلق را از آقا ضیاءالدین عراقی (متوفای ۱۳۶۱ ه. ق) فرا گرفته و از شاگردان ممتاز ایشان به شمار آمد، و چندین اجازه روایتی و اجتهاد از وی دریافت کرد. هم‌چنین در صحن مطهر حضرت علی (ع) مبحث طهارت و صلاة را در حوزه درسی آیت‌الله شیخ احمد آل کاشف‌الغطاء (متوفای ۱۳۴۴ ه. ق) آموخت. دیگر استادانش در نجف اشرف، در خارج فقه و اصول، سید احمد بن محمدباقر بهبهانی حائری؛ شیخ علی اصغر تبریزی نجفی؛ شیخ محمدحسین بن علی شیخ‌العراقین و شیخ علی نجفی (نوه صاحب جواهر) می‌باشند.<sup>۲</sup>

آیت‌الله مرعشی، در سال ۱۳۴۲ ه. ق به تهران آمد و یک سالی در این شهر اقامت گزید، در همین سفر ضمن آن که ریاضیات را نزد میرزا حیدرعلی نائینی و دیگران تکمیل کرد. از محضر آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و حاج شیخ عبدالنبی نوری بهره‌ها گرفت. در سال ۱۳۴۳ ه. ق که به قم آمد و در این دیار ابرار رحل اقامت افکند، ضمن استفاده از درس شیخ مهدی حکمی قمی و حاج میرزا علی اکبر مدرس یزدی، در جلسات درس آیت‌الله حاج میر سید علی یثربی حسینی کاشانی (متوفای ۱۳۷۹

۱. همان، ص ۱۶۴-۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۷۴-۱۷۳؛ گنجینه شهاب، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۸۰، جلد اول، ص ۱۶۰-۱۵۹.

ه.ق) حاضر گردید. وی که به دعوت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (متوفای ۱۳۵۵ ه.ق) به قم آمده بود، مدتی به درس این فقیه مؤسس حوزه علمیه قم، حاضر شد و از او اجازاتی دریافت داشت. فقیه اصولی و ادیب نامور آیت‌الله آقا محمدرضا مسجدشاهی (متوفای ۱۳۶۲ ه.ق) در قم، حوزه درسی داشت که آیت‌الله مرعشی بارها به حضورش رسید و بخشی از فقه، اصول، ادبیات و ریاضیات را از او آموخت. در سال ۱۳۵۰ ه.ق هنگام سفری به اصفهان و سال بعد موقع مسافرت به شیراز، در اصفهان توقیفی نمود و از خرمن علمی این استاد برجسته، بهره‌های فراوان گرفت.

کوشش‌های خستگی‌ناپذیر آیت‌الله مرعشی نجفی، در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و او را که در راه کسب انواع علوم اسلامی بویژه فقه و اصول و حضور در جلسات گوناگون فقها و مشاهیر جهان اسلام، لحظه‌ای دریغ نکرده بود، در زمره علمای و فقها در آورد و در شمار مجتهدهای پر تلاش شد. او از اساتید و مراجعی که در درستان شرکت کرده بود، اجازه اجتهاد و نقل روایت دریافت داشت. بعد از رحلت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، درس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در شمار علمای طراز دوم حوزه علمیه قم مطرح گردید. و با رحلت آیات عظام حجت کوه‌کمره‌ای، صدر و خوانساری، به عنوان یکی از مراجع حوزه شناخته شد، و نخستین رساله عملیه‌اش در سال ۱۳۶۶ ه.ق منتشر گشت. و از همان زمان عده بسیاری از مردم ایران وی را مرجع تقلید خویش قرار دادند. با ارتحال آیت‌الله العظمی بروجردی، در سال ۱۳۴۰ ش، این مجتهد ژرف اندیش به عنوان یکی از مراجع طراز اول ایران مطرح شد، و جمع بسیاری از شیعیان ایران، هند، پاکستان، افغانستان و برخی کشورهای عربی خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، از ایشان تقلید کردند. در همان ایام ایشان شهریه طلاب حوزه علمیه قم و برخی حوزه‌های دیگر ایران و کشورهای اسلامی را عهده دار شد. جواب‌گویی به مسائل و پرسش‌های مذهبی و احکام و ابلاغ نظرها و فتوای آیت‌الله مرعشی را هیأت استفتاء بر دوش گرفته بود، اما امور بیت معظم له را فرزند ارشدشان حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی، بر عهده داشت.<sup>۱</sup>

۱. «نجوم امت»، ناصر باقری بیدهندی، مجله نور علم، دوره چهارم، شماره اول، مسلسل ۳۷، ص ۳۹-۳۷.

### \* تدریس و تربیت شاگردان

آیت‌الله مرعشی ابتدا به تدریس سطح پرداخت و کتاب‌های معالم‌الاصول، شرح لمعه، قوانین‌الاصول، فرائد‌الاصول، متاجر و کفایة‌الاصول را تدریس کرد. هم‌چنین علاوه بر فقه و اصول در دانش‌هایی چون منطق، کلام، تفسیر، فلسفه، رجال، درایه و علم‌انساب، حوزه‌درسی داشت. مجالس تدریس ایشان در مدرسه فیضیه، بقعه روی آب انبار صحن کوچک حضرت فاطمه معصومه (س) - اکنون راهرو آن صحن به مسجد اعظم است -، شبستان روبروی ایوان آینه صحن بزرگ و این اواخر در مسجد بزرگ بالا سر حرم مطهر، منزل و حسینیه‌ای که در کنار بیتشان قرار داشت، تشکیل می‌گردید. این تدریس از سال ۱۳۴۳ ه. ق تا واپسین لحظات زندگی آن مرجع وارسته، ادامه داشت.

درس فقهشان براساس شرایع‌الاسلام محقق حلی بود و از رجال، درایه، معانی، بیان و ریشه‌یابی لغات غافل نبود. در این اواخر شاگردانشان به حدود هزار نفر بالغ می‌گردیدند و به دلیل کثرت فراگیران، برای انتقال بیاناتش از بلندگو استفاده می‌شد. ایشان در هنگام تدریس، سخنانی نافذ، بیانی گرم، صدایی جذاب و گفتاری فصیح و ملیح داشت. مطالب را به صورت دسته‌بندی شده، فشرده و پیوسته بیان می‌کرد و می‌کوشید طلاب را به عمق‌نگری، تفکر و خلاقیت علمی وادار کند. در ضمن تدریس، رعایت فضیلت‌های اخلاقی و آداب اسلامی را به شاگردان توصیه می‌کرد و می‌کوشید آن‌چه را می‌گفت، خود بدان عمل کند. توانایی در تفهیم مطالب و موضوعات درسی و احاطه بر علوم گوناگون، از ویژگی‌های وی بود، که همین برجستگی که از موهبت‌های الهی به آیت‌الله مرعشی بود، رشک برخی تنگ‌نظران را برمی‌انگیخت.

جامعیت ایشان در علوم معقول و منقول موجب گردید که درس ایشان از یک حالت یک‌نواختی ملال‌آور به درس شیرین و با طراوت تبدیل گردد، به گونه‌ای که شاگرد پس از پایان درس، برای جلسه روز آینده، لحظه شماری می‌کرد و هنگام حضور در حوزه درسی به وجد می‌آمد. هم‌چنین در عین ساده‌گویی، استحکام مطالب را حفظ می‌کرد.

سبک درس این گونه بود که در مقام بیان هر مسئله، ابتدا به بیان عنوان آن می‌پرداخت و سپس مدارک آن را برمی‌شمرد، پس از آن اقوال فقها و اصولی‌ها را بیان

می‌کرد و به نقد و بررسی آنها همت می‌گماشت، اما آنچه درس استاد را غنی‌تر می‌کرد، بیان فروع و توسعات توسط ایشان بود، که این ویژگی در پرورش هر چه بیش‌تر ذهن شاگرد و تقویت روحیه استنباط و اجتهاد در او سهم به‌سزایی داشت. در پایان به ذکر تنبیهات مناسب با مسئله می‌پرداخت، و بدین‌گونه، زوایای مختلف موضوع مورد بحث را روشن می‌کرد. آیت‌الله مرعشی در مقام استنباط احکام شرعی و فقهی بر روایات معتبر تکیه می‌نمود و با توجه به تسلط و افرش بر ادبیات عرب، در مقام بیان فقه‌الروایه، مطالب بدیع و جالبی را ارائه می‌داد.<sup>۱</sup> برخی از شاگردانش عبارتند از: شهید مصطفی خمینی، شهید مرتضی مطهری، شهید دکتر محمد مفتاح، شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله شهید صدوقی، شهید قاضی طباطبایی، آیت‌الله سید محمود طالقانی، آیت‌الله شیخ شهاب‌الدین اشراقی (داماد امام)، آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری فرزند شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله شیخ حسین نوری همدانی (مرجع تقلید)، امام موسی صدر، آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، علامه سید مرتضی عسکری، آیت‌الله سید مهدی یشربی، آیت‌الله سید رضا صدر، آیت‌الله حائری شیرازی، آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، دکتر سید محمدباقر حجتی، دکتر عباس زریاب خویی، دکتر محمدتقی دانش‌پژوه، دکتر علیرضا فیض، دکتر حسین کریمان، استاد علی اصغر فقیهی و...<sup>۲</sup>

### \* مقام علمی

آیت‌الله مرعشی از موقعیت بسیار ممتاز و درخشانی در دانش‌های گوناگون برخوردار بود.

او در مجلس فقها، فقیهی پارسا و آگاه، لغزش‌ناپذیر و درست‌کردار؛ در حلقه درس معلّمی امین، راستگو و مسلط به علوم متعدد؛ در نسب‌شناسی دانشوری نادر؛ در علوم و فنون استادی قادر، صاحب نظر، آگاه، محقق نامدار و عارف، و در محفل پدید آوردندگان، نویسنده‌ای با بصیرت بود. بسیار مطالعه می‌کرد، و تتبع در آثار

۱. «درس خارج آیت‌الله مرعشی نجفی»، حجت‌الاسلام والمسلمین سید عادل علوی، مندرج در گنجینه شهاب، دفتر نخست، مقاله چهارم؛ شهاب شریعت، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۲. بر ستیغ نور، علی رفیعی علامرو دشتی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ص ۳۵-۳۴.

بزرگان، از مختصات زندگی علمی او به شمار می‌رود. هم اکنون صدها و بلکه هزاران کتاب در کتابخانه عمومی ایشان موجود است که نه تنها مطالبش را دقیق خوانده‌اند بلکه بر بسیاری از آنها تعلیقه، حاشیه، مقدمه و توضیح نوشته‌اند. در این حاشیه نویسی‌ها مطالب و موضوعاتی جالب به شکلی نقادانه، موشکافانه توضیح داده شده‌اند. ایشان بر ده‌ها جلد کتاب مقدمه نوشته‌اند و در احیای اندیشه‌های دینی و مباحث علوم اسلامی مشوق دیگران بوده‌اند.

مجتهدان و فقهای نامداری چون آقا ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمدحسین نائینی، شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله بروجردی، سید حسن صدر، سید محسن امین جبل عاملی، محمدحسین کاشف‌الغطاء و برخی دیگر از علمای شیعه و سنی در اجازه اجتهاد و روایتی که برای ایشان صادر کرده‌اند، از آیت الله مرعشی به عنوان عالم عادل، فاضل محقق، جامع کمالات علمی، عملی، اخلاقی و معنوی، سید سند، افتخار مجتهدان، جامع اصول و فروع، ثقة الاسلام، مروج احکام، ناقد ماهر، ادیب نامور، نادره دوارن و صاحب فکر استوار سخن گفته‌اند.<sup>۱</sup>

آیت الله سید احمد روضاتی که در کتابی مستقل به شرح حال ایشان پرداخته است و سال‌ها از محضر این فقیه عارف بهره‌مند بوده است، می‌نویسد:

آیت الله مرعشی نجفی از نبوغی کم نظیر، ذوقی سرشار، استعداد وافر در استنباط احکام و مسائل برخوردار است، عالمی عامل، محدثی فقیه، مجتهدی اصولی، مورخی آگاه، متکلمی زبردست، نسابه‌ای نامدار، سخنوری توانا و خبیر در علم رجال است و در غالب علوم و فنون چیره دست است.<sup>۲</sup>

شیخ قوام‌الدین و شنوی پرورش یافته محفل علمی آیت الله مرعشی درباره استادش گفته است:

او علامه اکبر، یگانه عصر، احیا کننده آثار علمای گذشته و حجت بر آیندگان است.<sup>۳</sup>

۱. بر ستیغ نور، ص ۳۸-۳۷؛ شهاب شریعت، ص ۲۱۱.

۲. التحفة الاحمدية فی ترجمة زعيم الاسلام من السادة المرعشيه، مخطوط، ص ۵۱.

۳. الحجاب فی الاسلام، قوام‌الدین و شنوی، ص ۱۰۰.

رجال‌نگار معروف، شیخ محمد شریف رازی، آیت‌الله مرعشی نجفی را انسانی با فضیلت، بلند نظر، سند فقها، علامه بزرگوار و از افتخارات عالم تشیع معرفی کرده است و می‌افزاید:

او مورد تجلیل و تکریم علمای بسیاری از کشورهای اسلامی می‌باشد و آنان از وی به عنوان عالم نسب شناس، علامه روزگار و مجاهد بزرگ یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

ملاعلی واعظ خیابانی که از شرح حال نویسان نامدار معاصر است، منزلت علمی آیت‌الله مرعشی را این چنین وصف کرده است:

از بزرگان مشاهیر علما، فقیه اصولی، فاضل کامل، مورخ و ریاضیدان، جامع معقول و منقول و معروف به کثرت مشایخ در عصر خود.<sup>۲</sup>

میرزا محمد علی مدرس تبریزی نیز او را با همین خصال و فضایل علمی ستوده است.<sup>۳</sup>

### \* تألیفات متنوع و ارزشمند

آیت‌الله مرعشی نجفی با وجود اشتغالات علمی، اجتماعی و آموزشی، وظیفه سنگین زعامت و مرجعیت و پاسخ‌گویی به سؤالات اقشار گوناگون جامعه و بر خلاف مشکلات و تنگناها و گرفتاری‌هایی که بر سر راه او وجود داشت، یکی از قلّه‌های علمی در عرصه تألیف و نگارش به شمار می‌رود و این ویژگی روزنه‌ای از الطاف الهی است که نصیب وی ساخته، و البته همت و جدیت و روحیه کاوش‌گری او که با نوعی پرکاری و خستگی‌ناپذیری توأم بوده، در این راستا بسیار مؤثر بوده است.

آثار ایشان از نظر در دسترس گرفتن عموم مردم، چند حالت دارند. برخی به طبع رسیده‌اند و در اختیار علاقه‌مندان می‌باشد؛ بخشی به صورت خطی باقی مانده‌اند؛

۱. آثار الحجة، محمد شریف رازی، ج اول، ص ۴۶؛ گنجینه دانشمندان، همو، ج ۲، ص ۳۹-۳۷.

۲. علمای معاصرین، ملاعلی واعظ خیابانی، ص ۲۱۷.

۳. ریحانة الادب، مدرس تبریزی، ج ۳، ص ۱۲۹.

تعدادی از آنها به مرور زمان و بر اثر حوادث گوناگون از بین رفته‌اند؛ و شماری از دست نوشته‌های ایشان، به صورت اوراق پراکنده‌ای نگاهداری می‌شود که در حال تدوین و فراهم آوری می‌باشند. تألیفات آیت الله مرعشی در علوم گوناگون به شرح ذیل است:

الف. علوم قرآنی، تفسیر و تجوید: ۱. التجوید، ۲. الردّ علی مدّعی التحریف، ۳. حاشیه علی انوار التنزیل بیضاوی، ۴. سند القراء والحفاظ، ۵. مقدمه تفسیر الدر المنثور سیوطی؛

ب. ادبیات: ۱. قطف الخزامی من روضة الجامی (حاشیه بر شرح کافیة جامی)، ۲. المعول فی امر المطول (حاشیه بر شرح تلخیص تفتازانی)، ۳. الفروق؛

ج. حدیث، ادعیه و زیارات: ۱. مفتاح احادیث الشیعة، ۲. حاشیه بر الفصول المهمة شیخ حرّ عاملی، ۳. حاشیه مختصر بر کتاب من لا یحضره الفقیه، ۴. مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات، ۵. شرح دعای شریف سمات، ۶. شرح زیارت جامعه کبیره، ۷. مقدمه مفاتیح الجنان، ۸. شمس الامکنه والبقاع فی خیرة ذات الرقاع، ۹. فوایدی چند در خصوص صحیفه کامله سجّادیه؛

د. اصول فقه و فقه: ۱. حاشیه بر فرائد الاصول شیخ انصاری، ۲. حذف الفضول عن مطالب الفصول، ۳. حاشیه بر قوانین الاصول میرزای قمی، ۴. مصباح الهدایة فی المسالک، ۵. توضیح المسائل یا رساله عملیه، ۶. راهنمای سفر مکه و مدینه، ۷. الغایة القصوی (حاشیه استدلالی بر عروة الوثقی)، ۸. مسارح الافکار فی توضیح مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، ۹. مصباح الناسکین (مناسک حج) و چندین رساله و حواشی فقهی دیگر؛

ه. رجال، شرح حال و انساب: ۱. التبصرة فی ترجمة مؤلف التكملة (در شرح حال میرزا محمّد مهدی کشمیری)، ۲. تراجم اعیان السادة المرعشیین، ۳. سادات العلماء الذین كانوا بعد الالف من الهجرة، ۴. شرح احوال امامزاده سلطان علی فرزند امام باقر (که در مشهد اردهال کاشان مدفون است)، ۵. رساله طریفة، در شرح حال شیخ محمّد جعفر کمره‌ای، ۶. رساله‌ای در حالات نصر بن مزاحم منقری، ۷. الفوائد الرجالیة، ۸. وسیلة المعاد فی مناقب شیخنا الاستاذ، ۹. وفيات الاعلام و نیز شرح حال بسیاری از علما که در مقدمه کتاب‌های آنها آورده است، ۱۰. مشجرات آل رسول الاکرم و یا

مشجرات الهاشمیین که مفصل‌ترین کتاب ایشان در انساب علویان و سادات کشورهای گوناگون می‌باشد و حدود نیم قرن برای آن زحمت کشیده‌اند، ۱۱. رساله‌ای در خصوص سادات مدینه منوره، ۱۲. شجره نامه سادات حسینی کاشانی، ۱۳. مزارات العلویین، ۱۴. حاشیه بر بحر الانساب سید عمیدالدین نجفی، ۱۵. کتابی در انساب و تبارشناسی غیر سادات؛

و: کلام، منطق و علوم غریبه: ۱. ملحقات احقاق الحق (بزرگ‌ترین و مفصل‌ترین اثر تألیفی آیت‌الله مرعشی). از این مجموعه حدود سی و هفت جلد منتشر شده است، ۲. رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة ملا عبدالله یزدی بر تهذیب المنطق تفتازانی، ۳. حاشیه بر کتاب سرخاب، در رمل، ۴. حاشیه بر کتاب سر المکنون، ۵. نسبات الصبا، در فواید علم جفر، رمل، حروف، اوراد و اذکار.

هم‌چنین آیت‌الله مرعشی آثاری به صورت سفرنامه، اجازات، اجوبة المسائل و مکاتبات دارند که در این مقاله، به عناوین آنها اشاره نشده است. در معرفی کتاب‌هایشان، به همین میزان بسنده می‌نمایم.

### \* تلاش‌های تبلیغی و ترویجی

آیت‌الله مرعشی نجفی تمام توانایی‌های خود را برای صیانت از دیانت، نشر معارف اسلامی و رونق بخشیدن به مراکز دینی به کار گرفت. او کوشید در ایام بابرکت عمر خویش به خصوص در دوران مرجعیت به سؤالات اعتقادی، کلامی، احکام، آداب اسلامی، زیارات، انساب و شناخت بزرگان اسلام، در عباراتی رسا و کوتاه و با سبکی متناسب با نحوه پرسش و در ضمن مستند و بُرهانی پاسخ گوید. اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های متعددی از ایشان در جهت حمایت از شعائر و سنت‌های اسلامی و نیز دفاع از فرهنگ قرآن و عترت باقی است. حتی برای روشن شدن برخی از این حقایق و تشریح احکام شرعی، رساله‌هایی به نگارش در آورده است، همچون اجوبة المسائل الرازیة و رساله اجوبة المسائل العلمیة والفنون المتنوعة. در اثر تبلیغات و ارشادات ایشان گروه‌های زیادی از افراد یهودی، مسیحی و بابی، مسلمان، و به مذهب شیعه اثنی عشری روی آورده‌اند.

از دیگر جنبه‌های ارشادی ایشان این است که می‌کوشید برای معرفی معارف

اسلام راستین آثاری از علمای شیعه را در زمینه‌های گوناگون علمی و کلامی و تاریخی جمع آوری کند، و آنها را برای دانشمندان مسلمان در کشورهای سوریه، عربستان، عراق، ترکیه، هند، پاکستان، افغانستان، یمن، مراکش، تونس، الجزایر، لبنان و برخی کشورهای دیگر ارسال نماید.

آیت‌الله مرعشی از همان آغاز جوانی، دست به مسافرت‌های علمی، تبلیغی و فرهنگی زد و با استادان، مشایخ و مشاهیر زیادی ملاقات، و از آنان استفاده کرده و یا آن‌که با برخی علما و محققان بحث‌های علمی داشته است. یکی دیگر از انگیزه‌های سیاحت ایشان، تحقیق و پژوهش در ملل و نحل و ادیان و مذاهب بود که موفق شد، در مسافرت‌هایی به کشورهای خاورمیانه و آسیای جنوبی، با علمای چهار مذهب اهل سنت، زیدیه، اسماعیلیه، شیخیه و دیگر فرقه‌های مسلمان، نصارا، یهود، زردشتی، بودایی و سیک ملاقات نموده و با آنها مذاکرات و مباحثاتی انجام داده و نسبت به باورها و اصول عقایدشان آگاهی‌های ارزشمندی به دست آورد، که به صورت دست‌نوشته‌های پراکنده، در کتابخانه ایشان موجود است.

حتی در سنین جوانی که به سامرا رفت، در این شهر با طلاب علوم دینی اهل تسنن طرح دوستی ریخت، و مدتی هم با شیخ عبدالسلام کردستانی ملاقات کرد، و وی را متمایل به مذهب شیعه نمود. در سال ۱۳۴۰ ه. ق در کاظمین با علمایی چون سید ابراهیم رفاعی بغدادی شافعی، ملاقات نمود. در کربلا و دیگر شهرهای عراق نیز این دیدارها را ادامه داد.

وی به هند هم مسافرتی نمود، و در شهر بمبئی بارؤسای مذاهب گوناگون بودایی و هندی بحث‌هایی داشت و برای آنان حقایقی را روشن کرد. در سال ۱۳۴۵ ه. ق که فیلسوف و شاعر هندی تاگور به ایران آمد، با وی بحث‌هایی مبادله نمود. دیدارهای وی با پروفیسور هانری کربن فرانسوی، آندره گدار، دکتر فؤاد سزگین آلمانی، رشید بیضون لبنانی، سید محمدرشید رضا - شاگرد شیخ محمد عبده مصری و صاحب تفسیر المنار -، دکتر حسن قاسم مصری، پروفیسور ولستر انگلیسی و صدها دانشمند دیگر نیز با جنبه‌هایی ارزشمند، در عرصه‌های تاریخی، کلامی و تحقیقی، بسیار پر بار بوده است.

یکی دیگر از کارهای تبلیغی آیت‌الله مرعشی، نقش برجسته‌اش در اتحاد میان مذاهب اسلامی می‌باشد. ایشان از طریق مکاتبه با دانشمندان فرق اسلامی، در تحکیم اخوت اسلامی و ایجاد زمینه تفاهم و مودت، نقش ارزنده و موثری را ایفا کرده است. نامه‌هایش به رئیس جمعیت اخوت اسلامی مصر، علامه شیخ طنطاوی جوهری (متوفای ۱۳۵۸ ه. ق.)، صاحب تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم و از جمله اساتید برجسته‌الازهر مصر، از آن جمله است. طنطاوی هم نامه‌هایی برای آن مرجع زاهد فرستاده است. مکاتباتی که آیت‌الله مرعشی نجفی با علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین داشته، در راستای ارتباط معنوی و علمی دانشوران بوده است.<sup>۱</sup>

### \* کارنامه خدمات فرهنگی - اجتماعی

کارنامه تلاش‌های ایشان در عرصه‌های فرهنگی و مسائل اجتماعی بسیار درخشان و پر بار است. بر فراز این خدمات، تأسیس کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چون خورشید پرتو افشانی می‌نماید. هسته اولیه این مرکز علمی و فرهنگی موقعی شکل گرفت که ایشان در نجف به تحصیل اشتغال داشت. وی با انجام نماز و روزه استیجاری، حذف یک وعده غذای روزانه، کاستن بخشی از مخارج زندگی، و کار شبانه در کارگاه‌های برنج‌کوبی پس از فراغت از درس و با انگیزه درونی و اشتیاق سرشار به میراث اسلامی، مجموعه‌هایی نفیس از نسخه‌های چاپی و خطی را فراهم آورد.

با مهاجرت ایشان به ایران، این مجموعه ارزشمند به ایران انتقال یافت و او در منزل شخصی به نگهداری و حفاظت آنها مبادرت نمود و نسخه‌های دیگری را گردآوری کرد. آیت‌الله مرعشی پس از تأسیس یکی از چهار مدرسه علمی بزرگ در قم به نام مدرسه مرعشیه در سال ۱۳۸۵ ه. ق، نخست کتابخانه کوچکی، در دو اتاق مدرسه مزبور بنیان نهاد. آن گاه در طبقه سوم این مدرسه، به سال ۱۳۴۴ ش، کتابخانه جدید گشایش یافت. استقبال روز افزون محققان از این کتابخانه، چنین کانون مهمی را با کمبود جدی فضا روبرو ساخت. سرانجام در زمینی به مساحت هزار متر مربع

۱. شهاب شریعت، ص ۲۵۶ - ۲۵۰؛ «شش نامه»، نشریه میراث شهاب، سال دهم، ش ۳، پیاپی ۳۷، زمستان ۱۳۷۳ ش، ص ۱۲ - ۳.

کتابخانه‌ای نسبتاً بزرگ ساخته شد، و در پانزدهم شعبان ۱۳۹۴ / ۱۲ شهریور ۱۳۵۳، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، با بیش از ۱۶ هزار جلد کتاب خطی و چاپی افتتاح گردید. با طرح‌های جدید و گسترش کتابخانه، این مرکز در فضای وسیع‌تر و با امکاناتی پیشرفته، به خدمات خود ادامه داد و هم‌اکنون از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه‌های خطی کهن اسلامی نخستین کتابخانه کشور، و سومین کتابخانه در جهان اسلام به شمار می‌رود. امام خمینی آن را کم‌نظیر دانسته است. وجود حدود هشتاد هزار عنوان نسخه خطی، و متجاوز از یک میلیون جلد کتاب چاپی، ارزش این کتابخانه را در میان کتابخانه‌های جهان، ارتقا داده است.<sup>۱</sup>

آیت‌الله مرعشی با جدیت وافر در امر تأسیس و بازسازی صدها مسجد، حسینیه و دیگر مراکز مذهبی کوشید که حتی اشاره به فهرست آنها در مجال این مقال نمی‌گنجد. حسینیه ایشان در جنب منزلشان، در سال ۱۳۹۹ ه. ق ساخته شد که در اعیاد اسلامی، موالید و شهادت ائمه، فعالیت‌های تبلیغی، و عظ و ارشاد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم‌چنین مرقد عالم بزرگوار محمدباقر مجلسی، صاحب کتاب بحارالانوار، به امر ایشان بازسازی و تعمیر اساسی گردید.

متفقین در زمان جنگ جهانی دوم، مسجد راه‌آهن قم را به کلیسا تبدیل کرده بودند که ایشان با رفتن آنان، این مکان را به عنوان مسجد تجدید بنا کرد. مسجد راه‌آهن شهر ازنا را ساخت، و در ایران و کشورهای هند، پاکستان، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و برخی کشورهای دیگر، صدها مسجد، حسینیه و مدرسه ساخته شده که یا به افراد خیر و نیکوکار اجازه ساخت و تعمیر داده و یا آن‌که شخصاً به تأسیس آنها اقدام کرده‌اند.

در قم مرحوم کامکار با اجازه آیت‌الله مرعشی، بیمارستانی را در خیابان باجک بنا کرد که از محل وجوهات هزینه‌اش تأمین گردید. درمانگاه جداگانه در بیمارستان نکویی قم بنیان نهاده شد، از خدمات ایشان است. هم‌چنین ساختمان بخش قلب همین مرکز درمانی، مرکز توان بخشی و بهزیستی، واقع در میدان امام قم، به نام

۱. آشنایی با کتابخانه آیت‌الله مرعشی، حسین رفیعی، گنجینه شهاب، ج سوم، مقاله هفتم؛ «گفتگو با دکتر سید محمود مرعشی»، کتاب هفته، ۱۳۸۲/۹/۸، ش ۱۵۲؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۲/۱۱/۳۰، ش ۲۲۹۹۷؛ روزنامه جام جم، ۱۳۸۲/۱/۲۸، ش ۸۴۱.

دارالشفای آل محمد - صلی الله علیه و آله وسلم -، از همین مقوله است. در انتهای خیابان طالقانی (آذر) آیت الله مرعشی اقدام به احداث یک صد و چهل باب منزل مسکونی برای طلاب کرد، که به عنوان شهرک یا کوی آیت الله مرعشی معروف است. کمک به سازمان آب منطقه‌ای قم در سال ۱۳۸۵ ش، احداث واحد موتور برق امامزاده سلطان علی اردهال کاشان (۱۳۸۱ ه. ق.)، کمک به زلزله زدگان، سیل زدگان، پناهندگان جنگ تحمیلی، مساعدت به لوله کشی، تأمین برق و وسایل منزل صدها طلبه‌ای که تمکن مالی لازم را نداشتند، کمک به محرومان و ادای دین و پرداخت قرض‌های بسیاری از مقروضین و صدها نمونه دیگر، از دیگر خدمات اجتماعی و اقتصادی آیت الله مرعشی نجفی است.

مدرسه مهدیه در خیابان باجک، مدرسه مؤمنیه در خیابان انقلاب، مدرسه شهابیه در خیابان امام که در زمان رژیم پهلوی سینما بود و پس از انفجار آن به دست جوانان مؤمن و انقلابی، به امر ایشان خریداری و به صورت مدرسه علوم دینی درآمد، مدرسه مرعشیه در خیابان ارم و روبروی کتابخانه، در زمره خدمات فرهنگی و آموزشی آن مجتهد والا مقام است.<sup>۱</sup>

### \* در نهضت امام خمینی (ره)

آیت الله مرعشی از بدو ورود به قم با امام خمینی آشنا گردید و اولین ارتباطش با ایشان اجازه نامه‌ای است که در سال ۱۳۰۸ ش، برای امام صادر کرده و طی آن، او را با القاب و الفاظ علمی و اخلاقی ستوده است. امام خمینی نیز در نماز جماعت وی که در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) برگزار می‌شد، حضور می‌یافت و سال‌ها به آیت الله مرعشی نجفی اقتدا می‌نمود.

در غائله انتخابات ایالتی و ولایتی، از هنگامی که امام خمینی پرچم مبارزه را برافراشت، ایشان نیز از آن حمایت کرد و در موارد لزوم با صدور اعلامیه‌های مشترک یا مستقل، نظر خود را درباره مسائل و رخ دادهای کشور بیان نمود و موضع مناسبی، در جهت اهداف رهبر قیام اتخاذ کرد. او همگام با سایر مراجع

۱. گنجینه شهاب، دفتر نخست، مقاله پنجم (فرهنگیان اسلام، ناصر باقری بیدهندی)؛ بر ستیغ نور، ص ۴۸ - ۳۹؛ شهاب شریعت، ص ۲۵۹-۲۵۷.

شدیدترین اعلامیه‌ها و تلگراف‌های اعتراض‌آمیز را صادر نمود، و عملاً در کانون مبارزات حق طلبانه قرار گرفت. تلاش دو ماههٔ علما این نیرنگ استبداد را خنثی کرد و ایشان با صدور اطلاعیه‌ای از عموم اقشار مردم که در این اتحاد بزرگ نقش داشتند، تشکر کرد.<sup>۱</sup>

بعد از شکست رژیم پهلوی در برنامهٔ فوق، شاه از مردم خواست طی رفراندومی، به لوایح شش‌گانه‌اش رأی دهند. امام حساسیت این توطئه را درک کرد و از مراجع طراز اول، از جمله آیت‌الله مرعشی خواست، مراتب اعتراض خود را دربارهٔ غیر قانونی بودن انتخابات، به دستگاه ستم اعلام کنند. آیت‌الله مرعشی بلافاصله از رژیم شاه بابت این برنامه و غیر شرعی بودن انتخابات تذکر داد، و از شاه خواست از اجرای آن صرف نظر کند. در ادامهٔ این سیاست، با اعلام عزاد در نوروز ۱۳۴۲ از طرف امام خمینی، از دیگر مراجع خواست که این موضوع را مورد توجه قرار دهند که رژیم در عکس‌العمل مقابل، فاجعهٔ جنون‌آمیز کشتار فیضیه را به وجود آورد. آیت‌الله مرعشی بر خلاف تهدیدهای مأموران ساواک، با شجاعت در برابر جنایتکاران ایستاد و در اطلاعیه‌ای به افشاگری علیه رژیم پهلوی پرداخت.

هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران علیه استبداد و استعمار به رهبری امام خمینی، که نقطهٔ عطف آن، قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بود، هماهنگ با سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های امام، آیت‌الله مرعشی به عنوان یکی از پایه‌های مقاومت درآمد، و در این رویداد تلخ از امام به دفاع برخاست، و به دستگیری وی اعتراض کرد. او با سخنرانی‌های افشاگرانه و بیانیه‌های شدیدالحن از کارگزاران رژیم خواست، برای آزادی علما و بویژه امام اقدام عاجل به عمل آورند.

بعد از تبعید امام به ترکیه و سپس عراق، ایشان طی تلگراف‌های متعدد به علمای نجف، از آنها خواست با رهبری نهضت هم‌دردی کنند و به‌طور شایسته‌ای از او استقبال نمایند. مکاتبات ایشان با امام در چنین ایامی، بیانگر صمیمیت و همدلی تنگاتنگ بین وی و امام است.

نخستین نماینده‌ای که از سوی مراجع تقلید برای دیدار با رهبر وارد عراق

۱. نهضت دو ماههٔ روحانیون ایران، علی دوانی، ص ۶۴؛ زبان‌گویای اسلام، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸، ش، ۱۵۸-۱۵۲.

شد، از سوی آیت‌الله مرعشی بود. در خلال سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش که سیر مبارزات مخفیانه و زیر زمینی بود، آیت‌الله مرعشی نجفی، تکیه گاه مبارزانی شد که هر کدامشان پناه گاه هزاران نفر از اقشار مردم بودند. وی از دی ۱۳۵۶ با ایراد سخنرانی، انتشار اعلامیه و اعلام مواضع، به مقاومت‌ها و حماسه‌های مردم شور و نشاط بخشید. او در زمان انتقال امام به فرانسه، برای رئیس جمهور وقت این کشور تلگرافی ارسال نمود و طی آن هشدار داد، هرگونه گزندی به رهبر انقلاب، با واکنش همه مسلمانان و ایرانیان همراه خواهد بود. در ایام مراجعه امام به وطن، نامه‌ای به ایشان نوشت و مسئولیت هدایت مستقیم همه مردم را به آن رهبر فرزانه سپرد و خود را تابع اهداف امام دانست. در ماجرای بیماری امام، شخصاً به ملاقات ایشان رفت، و با برپایی مجالس دعا و نیایش برای سلامتی امام، اوج محبت خود را نسبت به رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی آشکار ساخت.<sup>۱</sup>

امام خمینی در جواب تلگراف‌ها و نامه‌های آیت‌الله مرعشی که به مناسبت‌های گوناگون، از زمان شروع نهضت تا استقرار نظام جمهوری اسلامی، خطاب به ایشان فرستاده، به تکریم و حفظ حرمت این مرجع بیدار پرداخته و طول عمر، سلامتی و تداوم برکت و جودش را برای خدمت به اسلام و مسلمانان، از خداوند متعال خواسته است و از ایشان تقاضا کرده، وی را از دعای خیر فراموش نکند، و افزوده است: «امید است مسلمین، از ارشادها و راهنمایی‌های آیت‌الله مرعشی بهره ببرند».<sup>۲</sup>

آیت‌الله مرعشی در یکی از آخرین تلگراف‌های خود خطاب به رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته است:

قاطبة ملت ایران بایستی قدر دان رهبری و دولت جمهوری اسلامی ایران باشند و خداوند سبحان را که به آنها نعمت حکومت صالح ارزانی داشته، شکر بگزارند. حقیر هم که دوران مدیدی تلخی‌ها و آزارهای طاغوتیان را چشیده‌ام، از خداوند متعال حفظ و ادامه

۱. بر ستیغ نور، ص ۵۶-۵۵؛ مرزبان حماسه‌ها، محمدباقر بدوی، ص ۲۲-۲۱.

۲. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۲، ص ۱۹۶ و ج ۱۶، ص ۱۰۲، ۲۷۲ و ج ۱۷، ص ۱۶۳.

انقلاب اسلامی و توفیقات روز افزون این کشور اسلامی را مسئلت می‌نمایم، و برای استقامت همگان در صراط مستقیم، عدل و تقوا و ولای اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دعا می‌کنم.<sup>۱</sup>

### \* اخلاق و رفتار

آیت‌الله مرعشی نخست با یکی از دختر عموهای خود به نام گوهر تاج، ملقب به فخرالسادات، فرزند سید ابراهیم مرعشی، در هشتم جمادی اول ۱۳۳۵، ازدواج کرد که حاصل آن یک دختر بود؛ اما به دلایلی این پیوند دوام نداشت و میان آن دو جدایی افتاد. همسر دوم ایشان دختر مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس فقیه مبرقعوی رضوی قمی (متوفای ۱۳۳۵ ه. ق.)، از علمای بزرگ می‌باشد.

آیت‌الله مرعشی در زندگی با مشکل تأمین معاش روبرو بوده و خود گفته است: وقتی در مدرسه قوام زندگی می‌کردم، چند شبانه روز به دلیل به دست نیاموردن غذا رنگ چهره‌ام به زردی گرائید و گرسنگی ناتوانم ساخت اما شیوه‌ای پیش گرفتم که حتی افراد هم حجره نتوانند به فقر و کم بضاعتی من پی ببرند. بعدها که ایشان به مقام مرجعیت رسید، برای فراهم ساختن وسایل زندگی با دشواری‌هایی مواجه بود. ایشان در یکی از وصایای خویش نوشته است: بعد از خودم چیزی از زر و زیور دنیا بر جای ننهادم و هر چه به دستم رسید، حتی نذورات مخصوص خودم را برای رفع نیاز مردم، و به ویژه اهل علم صرف می‌کردم، و چیزی از مال دنیا حتی به مقدار پوست خرمایی، برای ورثه نگذاشتم. با این که اگر در صدد برجای گذاشتن مال و منال بودم، می‌توانستم. از نظر روابط خانوادگی و رفتار با همسر و فرزندان بسیار ممتاز بود. همسرش نقل کرده است:

مدت شصت سال با ایشان زندگی کردم، و در این ایام هیچ‌گاه با من به تحکم سخن نگفت، و رفتار تند و خشونت‌آمیز نداشت، و با

عصبانیت رفتار نکرد، تا آن زمانی که قادر به حرکت نمودن و انجام کاری بود، اجازه نمی‌داد دیگر اعضای خانواده برایش کاری انجام دهند، حتی هنگامی که تشنه می‌گردید، خود بلند می‌شد و به آشپزخانه می‌رفت و آب می‌آشامید. غیر از این که همسری خوب، مهربان و دوست داشتنی بود، همچون مونس صمیمی با من همکاری دل سوزانه داشت. بسیاری اوقات در امور طبخ غذا، پاک کردن سبزی، تمیز کردن ظروف و وسایل و نیز شستن میوه‌ها به من کمک می‌کرد.

فرزند ارشدشان نقل نموده است:

شبی با همسرم به منزل آقا رفتیم. موقع صرف شام از همسرم خواستم کمی آب به من بدهد، ابوی متغیر گردید و گفت: "اگر تشنه‌ای خودت برخیز و آب بیاور و بنوش! زن در خانه کنیز تو نیست که بخواهی به او امر و نهی کنی و حق و حقوقی دارد که باید مراعات نمایی."<sup>۱</sup>

آیت‌الله مرعشی در برخوردهای اجتماعی بسیار فروتن بود و در روابط خود با مردم چنان به آنان نزدیک می‌گردید که احساس بیگانگی و غریبی نکنند. این صمیمیت در حدی بود که مردم اسراری را که با همسران و والدین خویش در میان نمی‌نهادند، برای آیت‌الله مرعشی باز می‌گفتند، به همین دلیل بارها می‌گفت: «صندوقچه اسرار مردم هستم».

افرادی که به دیدنش می‌آمدند، اصرار داشتند دستشان را ببوسند، ولی او اجازه نمی‌داد. هر چه دوستان می‌کوشیدند برایش محافظ بگذارند، نمی‌پذیرفت. درب اندرونی را بعد از نماز صبح می‌گشود، تا هر کس می‌خواهد داخل بیاید. اجازه نمی‌داد وسایل ایاب و ذهاب ویژه در اختیارش بگذارند. در آن روزهایی که رژیم بعثی عراق، قم را بمباران می‌کرد، حتی سوار تاکسی هم نمی‌شد و پیاده به حرم مطهر می‌رفت، و این در حالی بود که در آن شرایط آشفته، عده‌ای به روستاهای اطراف

۱. «گفتگو با حجت‌الاسلام دکتر سید محمود مرعشی»، مجله کیهان فرهنگی، ش ۲۰۴، ص ۸.

می‌رفتند و چون از آیت‌الله مرعشی پرسیدند چرا از این وضع نمی‌گریزید؟! در جواب می‌گفت: «مردم کم بضاعت وقتی مشاهده کنند من در این شهر مانده‌ام، احساس آرامش می‌کنند». واقعاً هم این شیوه، به افرادی که قادر نبودند به جاهای دیگر بروند، قوت قلب می‌داد. در جلسات درس و نشست‌های عمومی شوخ طبع بود، و عقیده داشت، باید در معاشرت با مردم خوش دل و شادمان بود. با پی بردن به گرفتاری‌ها و محرومیت‌های مردم محزون می‌گشت و چون می‌شنید از مؤمنین رفع گرفتاری شده است، از هم می‌شکفت. در استفاده از امکانات زندگی به کم‌ترین و ساده‌ترین وضع مادی اکتفا می‌کرد. لباسش سر تا پا ایرانی بود.

در دفاع از ارزش‌های دینی غیرت شگفتی داشت و یک روز افسر شهربانی رضاخانی آمده بود تا چادر زنی را از سرش بکشد. آن زن از شدت هراس گریخته و روی پله‌های آب انباری افتاده بود. آیت‌الله مرعشی که شاهد این قضیه بود، ناراحت شد و سیلی محکمی به گوش آن مأمور گستاخ زد، و چون ماجرا را به دوستانش گفت، آنان خاطر نشان کردند، امکان دارد رضاخان به قم بیاید و رفتاری منفی با شما داشته باشد، شبیه آن چه با شیخ محمدتقی بافقی نمود. وی بدون هراس گفت: «کارم دفاع از دیانت و حرمت بانوان بود و او را به خدا وامی‌گذارم». آن افسر شب بعد موقع نظارت بر بازار قم، از سوراخ سقف بازار سقوط کرد و به هلاکت رسید.<sup>۱</sup>

تقوا، عبادت، تهجد و نیایش ایشان با یک نوع اشتیاق و جوشش درونی توأم بود و تقید داشت، نمازهای خویش را در وقت فضیلت و با جماعت برگزار کند. نماز جماعت ایشان در حرم مطهر قم، از پر شکوه‌ترین مراسم عبادی قم به شمار می‌رفت. نیایش‌های شبانه، بر زبان آوردن اوراد و اذکار، سنت همیشگی وی بود، و شب‌های بسیاری را با این حالات به صبح رسانید. در وصیت نامه‌اش توصیه کرده است: «پس از مرگ سجاده‌ای را که مدت هفتاد سال بر آن نماز شب می‌خوانده‌ام، با من دفن کنید»، که از آن استفاده می‌شود، ایشان از سنین جوانی به تهجد می‌پرداخته است.

محبت فوق العاده وی به خاندان رسالت را می توان از لحظات زندگی و نوشته‌ها و ارشادهای وی به دست آورد. در آثارش عبارت «خادم علوم اهل بیت (ع)» به چشم می خورد. در مجالس عزای خاندان عترت، حضوری عاشقانه داشت و مجالس سوگواری‌های محرم در او شور فزاینده‌ای ایجاد می کرد. در بسیاری از بارگاه‌های ائمه و امامزادگان، سمت افتخاری خادم آن آستانه را به خود اختصاص داده بود.<sup>۱</sup> در فرازی از وصیت نامه‌اش می خوانیم:

... الهی به مادر دل شکسته‌ام، به عمه بازو شکسته‌ام، نظر لطفی بفرما  
تا ما را از جمله محبان خاندان عصمت و طهارت قرار دهی و  
دست‌ها را از ذیل عنایات آن بزرگواران کوتاه نفرمایی.<sup>۲</sup>

سرانجام آن مرجع بیدار، چهارشنبه هفتم صفر ۱۴۱۱/هفتم شهریور ۱۳۶۹، در ۹۶ سالگی به سرای جاوید شتافت. پیکر مطهرش، پس از تشییعی باشکوه، بر حسب وصیت او، در کتابخانه‌اش دفن گردید و اکنون زیارت‌گاه علاقه‌مندان است.

۱. بر ستیغ نور، ص ۷۵-۷۴؛ گنجینه شهاب، ج اول، ص ۱۹۰-۱۸۹؛ عاطفه، عاشورا و آیت‌الله مرعشی نجفی، گنجینه شهاب، ج ۲، مقاله هیجدهم.  
۲. وصیت نامه الهی - اخلاقی آیت‌الله مرعشی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.